

● تحلیل‌ها و گزارش‌ها

بحران در زیمبابوه

علیه استعمارگران سفیدپوست قابل توجه می‌باشد بعد معنوی و فرهنگی آن است که باعث هوشیاری مردم در مقابل نیروهای بیگانه گردید و در مدت زمان کوتاهی آنان را به واکنش واداشت. روح حاکم بر فرهنگ ملی و بومی و جایگاه نهادهای فرهنگی در میان مردم به مقدار زیادی با الهام از کیش آنیمیسم باعث تحرک و مقاومت آنان علیه استعمارگران گردید به طوری که در قیام‌های سال‌های ۱۸۹۶ و ۱۸۹۷ و ۱۸۹۳ خواستگاه این قیام‌ها ارواح نیاکان یا پل نامرئی میان زندگان بود که مردم را تحریک و تشویق به آن قیام‌ها می‌نمود که این موضوع را کمتر می‌توان در میان جوامع دیگر که مورد هجوم و استیلای استعمار قرار گرفته‌اند، یافت. بر همین اساس زیمبابوه که سالیان طولانی تحت سلطه‌ی سفیدپوستان مهاجر بود در هجده آوریل سال ۱۹۸۰ با انگیزه‌ی ناسیونالیستی و محور نژادپرستی که در اذهان مبارزین سیاه‌پوست ریشه دوانیده بود بعد از

ظرف روزهای اخیر کشور زیمبابوه شاهد درگیری‌هایی بین سفیدپوستان و سیاه‌پوستان آن کشور بر سر مزارع کشاورزی بوده است. این درگیری بین مبارزان سیاه‌پوست سابق این کشور که با اشغال زمین‌ها و مزارع تحت مالکیت سفیدپوستان صورت گرفت، موجب بروز خشونت و به نقل بعضی از خیرگزاری‌های بین‌المللی باعث کشته شدن تعدادی از زمین‌داران سفیدپوست و نیز سیاه‌پوستان بومی گردید، گرچه از نظر تاریخی تا کنون قیام‌های متعددی از سوی سیاه‌پوستان علیه سفیدپوستان مهاجر انجام گرفت که از آن جمله قیام سال ۱۸۹۶-۱۸۹۷ است که توسط سربازان بریتانیایی سرکوب شد و رهبران آن را از بین بردند. قیام مذکور اثر بسیار عمیقی بر تاریخ مردم زیمبابوه گذاشت به طوری که کتاب‌های متعددی درباره‌ی آن از سوی نویسندگان زیمبابوایی به رشته‌ی تحریر در آمده است. نکته‌ی مهمی که در قیام سیاه‌پوستان زیمبابوه

سوسیالیستی بنانهاده بود ولی عوامل متعدد داخلی و خارجی و تغییرات در صحنه‌ی بین‌المللی از جمله استمرار کمک‌های اقتصادی و تکنیکی غرب به زیمبابوه باعث وابستگی شدید این کشور به بلوک غرب و کاهش گرایش شدیدش به شرق شد. سرانجام توسعه‌ی سیاسی و اقتصادی بر مبنای اصلاحات اقتصادی، این کشور را وابسته‌ی شدید به غرب کرد به طوری که جهان غرب به خصوص انگلیس یکی از بزرگ‌ترین سرمایه‌گزاران خارجی در زیمبابوه به حساب می‌آیند.

از سوی دیگر چالش‌های سازمان‌های بین‌المللی پول و منطقه‌یی و داخلی چون درگیر شدن این کشور در کنگوی دموکراتیک (ژئیر سابق) با ۱۱ هزار نیروی نظامی به حمایت از کابایلا و عدم توافق مؤسسات مالی بین‌المللی در اعطای اعتبارات مالی و مخالفت‌های فراگیر انگلیس و آمریکا با سیاست‌های موگابه در قبال مسأله‌ی کنگو و اشغال مزارع سفیدپوستان توسط مبارزین سابق این کشور و کارهای ایدایی دیپلماتیک مانند باز کردن بسته‌های سفارت انگلیس یا دستگیری چند امریکایی به اتهام جاسوسی و رکود همراه با تورم اقتصادی و هم‌چنین مشکلات سیاسی، اجتماعی موجب بروز بحران این کشور گردیده است. هم اکنون

سال‌ها مبارزه توانست استقلال خود را با حضور ولیعهد انگلیس و سران بسیاری از کشورهای مشترک‌المنافع و نمایندگان خارجی معنا بخشد و رابرت موگابه به‌عنوان نخست‌وزیر با اتخاذ اصول سوسیالیستی، کشور نوبنیان زیمبابوه را در صحنه‌ی بین‌المللی تعریف نماید.

از جهت دیگر تحولات در قاره‌ی افریقا و جابه‌جایی قدرت‌های بزرگ در منطقه چون خروج شوروی سابق از مصر و توجهش به منطقه‌ی راهبردی شاخ افریقا (اتیوپی) هم چنین توجه چین به شرق افریقا چون تانزانیا و توسعه‌ی همکاری‌های اقتصادی و فنی با ژئیر (کنگو فعلی) و بوتسوانا و گرایش بسیاری از جنبش‌های آزادیبخش ضداستعماری افریقایی منطقه از جمله زیمبابوه به چین، حساسیت دولت‌مردان امریکایی و غرب مبنی بر گسترش اندیشه‌های مارکسیستی در جنوب افریقا را شدت بخشید به طوری که کیسینجر رییس‌جمهور وقت امریکا برای جلوگیری از به قدرت رسیدن حکومت‌های مارکسیستی در سایر کشورها روند مذاکرات استقلال زیمبابوه با رژیم یان‌اسمیت را در کنفرانس لندن، تسهیل و تسریع بخشید.

آقسای موگابه اگرچه در آغاز، سیاست‌های خود را بر مبنای اصول

هم‌چنین اتحادیه‌ی اروپایی با صدور اعلامیه‌ی رسمی نسبت به این اعمال اعتراض کرد و حتی حزب محافظه‌کار انگلیس پیشنهاد نمود عضویت زیمبابوه در گروه کشورهای مشترک‌المنافع به حالت تعلیق درآید.

در بُعد منطقه‌یی گرچه موضع رهبران کشورهای جنوبی افریقا درباره‌ی مشکل زیمبابوه توأم با سکوت و احتیاط بوده است اما ظاهراً معتقدند که اشغال زمین‌های تحت مالکیت سفیدپوستان و تنش‌های مربوط به اصلاح وضعیت زمین‌ها در این کشور امری داخلی است. لذا این مسأله باید با احتیاط حل و فصل شود ولی با این همه اظهارات بعضی از رهبران کشورهای جنوبی افریقا، حاکی از آن است که قضیه را بسیار جدی گرفته و با هم تماس‌هایی داشته‌اند. در همین راستا رییس جمهوری موزامبیک طی سفر اخیرش به پاریس نکته‌یی را مطرح کرد که با گفته‌ی امبیک رییس جمهوری افریقای جنوبی همخوانی دارد. هر دو اظهار داشته‌اند که مسأله‌ی اصلاحات زمین در زیمبابوه امری جدی است و تخلفات و خشونت به نفع هیچ‌کس نیست و این مسأله باید با احتیاط حل و فصل شود.

اظهارات مذکور نشانگر آن است که دو رییس جمهور درباره‌ی موضوع زیمبابوه با هم

مسأله‌ی درگیری برای مزارع بین سفیدپوستان و سیاه‌پوستان یکی از محوری‌ترین مسایل بحران داخلی آن کشور به حساب می‌آید چراکه صنعت کشاورزی به لحاظ گستردگی و محوریت در ساختار اقتصادی زیمبابوه و پیوند و همگونی آن با بخش صنایع راهبردی با امکانات و ظرفیت‌های ملی زیمبابوه همخوانی داشته و از اهمیت ویژه‌یی برخوردار است به طوری که بخش کشاورزی ۱۲/۴ درصد از کل تولید ناخالص داخلی زیمبابوه را تأمین می‌نماید و ۳/۴ از جمعیت ده میلیونی زیمبابوه را به خود مشغول داشته است.

لذا درگیری بر سر مزارع بین سفیدپوستان و سیاه‌پوستان موجب شد تا موضوع تا حدی بُعد فرا منطقه‌یی به خود بگیرد به طوری که کوفی عنان دبیر کل سازمان ملل در سی‌ام فروردین ۱۳۷۹ طی تماس تلفنی با موگابه از وی خواست سریعاً این بحران را کنترل کند. دولت انگلیس نیز ضمن فراخواندن سفیر خود به لندن و اقدام‌های دیگر نسبت به برخوردهای غیردپلماتیک وزارت خارجه‌ی این کشور اعتراض کرد و درخصوص حمایت دولت از اشغال مزارع سفیدپوستان توسط مبارزین سابق و بی‌لیاقتی دولت در خل و فصل مسأله‌ی زمین، تبلیغات زیادی راه انداخت.

تماس‌هایی داشته و مسلماً رایزنی‌هایی کرده‌اند. متقابلاً موگابه رییس جمهور زیمبابوه تصریح کرده‌ است که او با مداخلات خارجی آنچه را که او به عنوان امور داخلی کشور خود می‌شناسد برخورد جدی خواهد کرد.

از سوی دیگر احزاب مخالف دولت با استفاده از جو موجود، سعی در ایجاد فضای متشنج علیه دولت می‌نمایند و تلاش می‌کنند از چالش‌های فوق، نمایی از یک روند نزولی کاهش اقتدار و حاکمیت ۲۰ ساله‌ی موگابه و هم‌فکرانش در افکار و انتظار عمومی و بین‌المللی و منطقه‌ی ترسیم نمایند تا از این طریق بتوانند به اهداف سیاسی خود نایل آمده و دست کم بتوانند در ماه می در انتخابات پارلمانی کرسی‌های بیشتری را اشغال کنند و هم‌چنین از امکانات سیاسی مالی و تبلیغاتی بعضی از کشورهای منطقه استفاده نمایند. از جهت دیگر گرچه موگابه به عنوان یک سیاستمدار بانفوذ انقلابی و چهره‌ی مقبول و موفق در زمینه‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی به خصوص در دهه‌ی اول حکومت به خوبی عمل کرده است ولی با توجه به تحولات سریع بین‌المللی و برهم خوردن نظام دوقطبی و فروپاشی شوروی

سابق و سلطه و هیمنه‌ی غرب به خصوص امریکا بر ابزارهای پیچیده‌ی جهانی و شبکه‌های خبری و ارتباطاتی و مسأله‌ی جهانی شدن و نیز رنگ باختن بعضی از نظام‌های انقلابی و عدم کارایی ابزارهای انقلابی برای مشروعیت و مقبولیت حکومت‌های اقتدارگر و متقابلاً توجه جامعه‌ی جهانی به مسأله‌ی آزادی، دموکراسی، حقوق بشر و غیره همه عواملی است که در تحولات داخلی آن کشور بی‌تأثیر نبوده است. لذا برای اولین بار موگابه در ماه آوریل در جریان همه‌پرسی مردمی درخصوص تغییرات جدید در قانون اساسی از سوی مردم با پاسخی منفی مواجه شد.

در سطح قدرت‌های منطقه‌ی نیز گرچه موگابه از رهبران خط مقدم کشورهای مبارز با آپارتاید بوده است و رهبری و ریاست تعدادی از سازمان‌های اقتصادی- سیاسی منطقه را به عهده داشته و هم‌چنان به عنوان یکی از رهبران با نفوذ و مقبول منطقه مطرح است ولی با از بین رفتن آپارتاید، آفریقای جنوبی در صدد تسلط و هیمنه‌ی هیولای اقتصادی خود بر منطقه‌ی جنوب آفریقا است و حضور و نفوذ اقتصادی وسیعی به خصوص در زیمبابوه از طریق

راستا تضعیف رهبریت و نفوذ داخلی و منطقه‌یی موگابه به نفع افریقای جنوبی خواهد بود.

سید نعمت‌الله قادری

رئیس مرکز مطالعات افریقا

سفیدپوستان دارد به طوری که در سال‌های اخیر، افریقای جنوبی یک قالب اقتصادی کلان را در پیش گرفته و در نظر دارد رهبریت سازمان‌های اقتصادی منطقه را به عهده بگیرد بنابراین یک تنش پنهانی بین افریقای جنوبی که به دنبال رهبریت بلامنازع سیاسی - اقتصادی منطقه است با زیمبابوه وجود دارد که در این





پڙهه ښکاري ځايون انساني و مطالعات فرهنجی
پرتال جامع علوم انسانی